

بازهم کشتگر!

علی کشتگر در نوشته اخیرش "هاشمی بجای خاتمی" به تاریخ ۱۸ مهرماه ۸۱ (۱۰ اکتبر ۲۰۰۲) بقول خودش خواسته است بخش دوم نوشته اش، "آزادیخواهان علیه استبداد دینی.."، را بنویسد، اما ظاهراً تصور بحران شدید در ایران او را برآن داشته است که فعلاً در مورد این بحران اظهار نظر کند و نوشته اش را بگذارد برای بعد. در این نوشته کشتگر میگوید اگر بعد از خروج خاتمی و "اصلاح طلبان" از "حاکمیت"، "اصلاح طلبان و اپوزیسیون جمهوریخواه"، هماهنگ عمل کنند "جناح اقتدار گرا" را کاملاً مات خواهند کرد! "اپوزیسیون جمهوری خواه"، عبارتی که تنها خاصیتش این است که راه پشتک وارو زدن را برای کشتگر در آینده باز بگذارد! ایشان بعد از امید بستن به اقدام خاتمی و دیگر رهبران "اصلاح طلبش" به خروج از "حاکمیت"، که وی آن را پیش بینی میکند، حدس میزند بین مردم و بقول او جناح اقتدار گرا برخورد روی میدهد و حتی ممکن است کار به انقلاب نیز کشیده شود. کشتگر که معلوم است از انقلاب علیه جمهوری اسلامی یکه خورده است، ناگهان بیادش میافتد که باید مردم را از شلوغ کردن در مقابل جمهوری اسلامی برحذر بدارد و بعنوان نگارنده! "زهنمود" میدهد که مردم نباید خشونت کنند و بزعم او شعار لغو نظارت استصوابی و رفراندوم آن شعارهایی هستند که بقول او جناح "اقتدار گرا" را بزانو در میآورد!

من فعلاً از بحث مفصل تر در مورد هدف کشتگر و امثال کشتگر از زدن برچسپ خشونت به مردم معترض به جمهوری اسلامی میگذرم و آن را در نوشته دیگری توضیح خواهم داد، اینجا فقط به دادن توضیح کوتاهی بسنده میکنم. در نوشته قبلی خود به تاریخ دوم اکتبر، من کشتگر را "اصلاح طلب خجول" نامیدم و گفتم باوجود رونویسی موضع سیاسی اکبر گنجی کشتگر هنوز روشن نکرده است که آیا خود او نیز از جمهوری اسلامی فاصله گرفته است یا نه؟ آیا بین روایت خود و روایت دینی از دولت، مرزی کشیده است یا نه که اکنون دم از لائیسیتته میزند؟ گفتم اگر جواب بلی است کی و کجا آن را اعلام داشته است؟

کشتگر علیرغم ادعای ظاهریش در این مورد، در نوشته "هاشمی بجای خاتمی"، نشان میدهد که تغییری در موضع سیاسی قبلی خود مبنی بر جمهوری اسلامی بدون و یا با کمتر ولایت فقیهی کردن آن نداده است. "عشق" کشتگر و امثال کشتگر به جمهوری اسلامی عمیق تر از آن است که حتی فروپاشی قریب الوقوع جمهوری اسلامی نیز بتواند در آن خللی وارد کند. اینها جزو پیکره جمهوری کشتار و جنایتند. همکاری و همیاری اینها و کابوسی که اینها با رفتن جمهوری اسلامی برای آینده سیاسی خود پیش بینی میکنند، مانع از آن میشود که دل از "قبله آمال" خود بکنند. کشتگر درست موقعی که مردم سرنگونی طلب برای درهم کوبیدن جمهوری اسلامی و جارو کردن نکبت اسلام از حیات جامعه قدم به میدان میگذارند از آنان میخواهد که در مقابل حمله و سرکوب عمومی و قطعاً مذبحخانه جمهوری اسلامی سپر انداخته و شعار پوچ "لغو نظارت استصوابی" و "رفراندوم" را بدهند! کشتگر آنقدر آینده جمهوری اسلامی

برایش "عزیز" است که حتی جسارت خدشه دارکردن مقام "ولی فقیه" بقول خودش استبداد دینی را هم بخودش نمیدهد و حداقل خواهان دستگیری و محاکمه "ولی فقیه" هم نمیشود. ظاهراً این شعارها "افراطی اند" و بزعم کشتگر شعار رفتن جمهوری اسلامی در روزهای آخر حیات ننگین آن نیز کفر است! توده میلیونی مردم سرنگونی طلب قرار است برای این به خیابان بیایند که خواهان "لغو نظارت استصوابی و رفراندوم" باشند و خاتمی و سران اصلاح طلب کشتگر را نیز سردست بلند کنند! عجب خواب و خیالی که جناب نگارنده در سر میپروراند. می بینیم "لغو نظارت استصوابی و رفراندوم" همه آنچه‌ی است که کشتگر از جمهوری اسلامی میخواهد. ایشان نشان میدهند که مشکلی با جموری اسلامی و کشتار و جنایت و بی حقوقی مطلق زن و بساط اعدام و شلاق و سنگسارش ندارند، بیخود نیست که سالهاست همراه همپالگی های خود برای "شکوفائی" جمهوری اسلامی تلاش میکنند و برای نجات جمهوری اسلامی اگر بازم لازم شد دست بدامان خامنه ای هم خواهند شد. جمهوری اسلامی با لغو "نظارت استصوابی" و توافق خاتمی و "اصلاح طلبان" بر سر بقول خودشان "حداقل" با جناح "تمامیت خواه"، از نظر اینها اوج خواسته‌هایشان از جمهوری اسلامی است. با آن در سایه رهبرشان سالها به دعاگویی خود برای جمهوری اسلامی ادامه خواهند داد. کاری که رهبران اصلاح طلب کشتگر برای نجات جمهوری اسلامی کردند و در شیپور شکست و افلاس خود نیز دمیدند.

کشتگر و امثال کشتگر درست وقتی که جمهوری اسلامی دارد آخرین نفسهایش را میکشد هنوز وظیفه خود را حفظ جمهوری اسلامی در مقابل سیل انقلاب توده میلیونی مردم سرنگونی طلب میدانند. به مردم میگویند خشونت نکنید نه به جمهوری اسلامی، در حالیکه میدانند جمهوری اسلامی با خشونت خود را تحمیل کرد، با خشونت هر روزه خود را سرپا نگهداشته و خشونت را جمهوری اسلامی از روز اول به مردم انقلابی و آزادیخواه ایران تحمیل کرده است. اینها صاف و ساده دارند مردم را به تمکین در مقابل جمهوری اسلامی فرامیخوانند. جمهوری اسلامی در سرایشی اضمحلال است، به مردم میگویند شلوغ نکنید، انقلاب نکنید، جمهوری اسلامی را سرنگون نکنید. هشدارشان هم به "نخبه های سیاسی" از نوع خودشان این است که مواظب باشند مردم دارند برای سرنگون کردن جمهوری خیز برمیدارند، شاید آنها و نه آقای کشتگر بتوانند مردم را در خانه نگهدارند. غافل از اینکه حضرات اجزاء بسیار فرعی و حاشیه ای تحولات و دست بدست گشتن قدرت سیاسی در آینده ایران هستند. مردم مدتهاست یاره گویی های خاتمی و روسای اصلاح طلب کشتگر را نیز پشت سر نهاده اند.

سرکوب نظامی جناح راست قطعاً با تعرض سخت توده مردم سرنگونی طلب جامعه مواجهه شده و تا هزیمت نیروی سرکوبگر جمهوری اسلامی و درهم کوبیدن بساط کشتار و جنایت جمهوری اسلامی نیز ادامه خواهد یافت. ترس مرگی که پروژه دوم خرداد را به میدان آورد، ترس مرگی که گنجی و امثال گنجی را به فاصله گرفتن از جمهوری اسلامی و حضراتی مانند کشتگر و امثال کشتگر را به پشت وارو و سردرگمی واداشته است. کشتگر و امثال کشتگر مهره های بی مقدار نبرد سیاسی طبقاتی گرایشهای اجتماعی در ایرانند. اینها با ادامه دفاع خود از جمهوری اسلامی و فراخواندن مردم به تمکین در مقابل جمهوری اسلامی فقط همسرنوشتی خود را با جمهوری اسلامی نشان میدهند و بر بی آبرویی سیاسی خود میافزایند.